

فرهنگ نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

سرویراستاران

یوآخیم ریتر - کارل فرید گروندر - گتفرید گابریل

جلد اول: فلسفه هنر

ویراستاران

محمد رضا حسینی بهشتی

بهمن پازوکی

با همکاری

فریده فرنودفر

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

و

مؤسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون

تهران ۱۳۹۸

فہرست مطالب

صفحہ	عنوان
خ	پیشگفتار.....
ذ	مقدمہ.....
۱	امرِ زیبا.....
گ. و. مُست G. W. Most؛ ی. آ. اِرْتزِن J. A. Aertsen؛ ت. لاینکاوف Th. Leinkauf؛ ت. تراپہ T. Trappe؛ گ. کونہ	
	- برترام G. Kühne-Bertram؛ ن. رات N. Rath / سید محمدرضا حسینی بہشتی
۴۳	زیباشناسی، زیباشناختی.....
	ی. ریتیر J. Ritter / سید محمدرضا حسینی بہشتی
۶۸	امرِ زیباشناختی.....
	آ. ہالدر A. Halder / سید محمدرضا حسینی بہشتی
۷۰	فلسفہٴ هنر، تاریخِ هنر، علمِ هنر.....
	گ. شلتز G. Scholtz / سید محمدرضا حسینی بہشتی
۷۹	فنونِ آزاد / فنونِ مکانیکی.....
	ہ. م. کلینکن برگ H. M. Klinkenberg / فریدہ فرنود فر
۸۳	هنر (فن)، اثرِ هنری.....
	آ. مولر A. Müller؛ آ. رِکِرمان A. Reckermann؛ اورزولا فرانکہ Ursula Franke / ماریا ناصر؛ اورزولا فرانکہ Ursula Franke؛ ہیئتِ تحریرِ یہ Red. / زہرا بہفر؛ ہیئتِ تحریرِ یہ Red.؛ ک. - م. بُوگدال K.-M. Bogdal؛ ہیئتِ تحریرِ یہ Red.؛ س. ایزلہ S. Isele؛ گ. شلتس G. Scholtz؛ و. شتروہ W. Strube؛ س. فُن بُرمان C. v. Bormann؛ و. شتروہ W. Strube؛ گ. پلومیہ G. Plumpe / پرستو خانبانی
۱۶۵	خواستِ هنری.....
	و. کامبارتل W. Kambartel / سید محمدرضا حسینی بہشتی
۱۶۶	داورِ هنری.....
	و. شتروہ W. Strube / سید محمدرضا حسینی بہشتی

ح فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

- ۱۷۰ دین هنری
 آ. هالدر / A. Halder / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۷۲ غایت هنر
 ی. توشینسکی / J. Tuschinsky / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۷۶ هنر انتزاعی
 و. کامبارتل / W. Kambartel / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۸۱ هنر ناب
 ا. هفت‌تریش / E. Heftrich / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۸۳ هنر، شعر، هنر شعرسرایی
 ن. رات / N. Rath / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۱۹۳ والا، امر والا
 آ. مولر / A. Müller؛ گ. تِنلی / G. Tonelli؛ ر. هومان / R. Homann / سید محمدرضا حسینی بهشتی
- ۲۰۵ اختصارات
 کتاب‌ها و مقالات
- ۲۱۰ واژه‌نامه‌ها
 اعلام
- ۲۴۷

پیشگفتار

کتابی که پیش رو دارید ترجمه گزیده‌ای از مدخل‌های «فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه» در حوزه زیباشناسی و فلسفه هنر است.

بعد از ارائه پیشنهاد ترجمه این لغت‌نامه توسط مؤسسه فرهنگی نوارغنون به مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، شورای عالی مؤسسه سه حوزه زیباشناسی، اخلاق و الهیات را انتخاب کرد و طی قراردادی ترجمه منتخبی از مدخل‌های لغت‌نامه در این سه حوزه را به‌عهده مؤسسه نوارغنون گذاشت.

یکی از علل انتخاب این سه حوزه و مدخل‌های آن توسط مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، نیاز جامعه علمی ایران به داشتن چنین منابعی مبسوط و مفصل است. در سه رشته یاد شده یا اصلاً کتاب درسی و مرجع معتبری وجود ندارد و یا تعدادشان بسیار کم است. آن تعداد کتب موجود نیز بیشتر از منابع انگلیسی زبان تهیه و ترجمه شده است که با اندک مقایسه‌ای میان این کتاب و منابع موجود می‌توان به تفاوت نوع تحقیق در هر یک از این دو شاخه زبان اروپایی پی برد.

اما علت دیگر انتخاب موضوع‌ها و مدخل‌های فوق تأسیس دو رشته فلسفه هنر و فلسفه اخلاق در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است که خود به خود لزوم داشتن کتاب‌های مرجع و درسی را برای دانشجویان آینده این دو رشته توجیه می‌کند.

بعد از ترجمه مدخل‌های جلد اول در موضوع زیباشناسی و فلسفه هنر توسط مؤسسه فرهنگی نوارغنون، آقای بهمن پازوکی از طرف مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران وظیفه اعلام‌نظر اصلاحی و تأیید نهایی متون ترجمه شده ارسالی را به‌عهده گرفتند. ایشان نیز به‌عنوان سرویراستار مؤسسه به تطبیق خط به خط ترجمه با متن و نیز تصحیح اشتباهات موجود در ترجمه، و بعضاً ترجمه مجدد آنها و ارائه پیشنهادهای لازم به انجام این وظیفه پرداختند.

در اینجا اشاره به چند نکته در مورد تعبیر «فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه» ضروری به‌نظر می‌رسد:

۱- این اثر نتیجه مباحث مربوط به تاریخ مفاهیم (Begriffsgeschichte) در فلسفه است. واژه تاریخ مفاهیم برای اولین بار در درسگفتارهای هگل در باب فلسفه تاریخ به‌کار رفته شده است ولی

معلوم نیست که آیا هگل خود واضح آن بوده است یا اینکه شاگردانش در حین بازنویسی درسگفتارهای او، آن را وارد متن کرده‌اند.

۲- اگرچه اهمیت این اثر بلامنازع است اما باید توجه داشت که این فرهنگ‌نامه با توضیحات تاریخی خود درباره سیر تطور معنایی مفاهیم فلسفی در پی آن نیست تا به همان اشتراکات و افتراقات نظام‌مند مفاهیم دست یابد، بلکه بیشتر در پی آن است تا تطور مفاهیم را در سیر تاریخی آنها شرح و بسط دهد و دانش تاریخ را در تحقیقات فلسفی زنده نگاه دارد. بنابراین این اثر نمی‌تواند به جای فلسفه به معنای دقیق کلمه بنشیند.

۳- شیوه تألیف این اثر می‌تواند نقش آموزنده‌ای برای کسانی که به کارهای پژوهشی می‌پردازند، داشته باشد و خود نشانی از معیارهای کار علمی است. این کتاب شاید انگیزه‌ای فراهم کند تا محققان این مرز و بوم نیز به سهم خود بتوانند به تولید اثر مشابهی در حوزه فلسفه اسلامی دست زنند. در چهل سال گذشته لغت‌نامه‌ها و دایرة‌المعارف‌های مهمی در زمینه فلسفه غرب منتشر شده است که از مهمترین آنها می‌توان از دایرة‌المعارف پل ادواردز و فرهنگ‌نامه تاریخ اندیشه‌ها، و نیز دایرة‌المعارف راتلج، و دایرة‌المعارف فلسفی استانفورد و اخیراً از دایرة‌المعارف جهانی فلسفه از انتشارات نشر دانشگاهی فرانسه نام برد. جای گفتن نیست که هر یک از این فرهنگ‌نامه‌ها و دایرة‌المعارف‌ها، دارای ویژگی و امتیاز خاص است و بی‌شک امتیاز این فرهنگ‌نامه چنان‌که گفته آمد، تأکید بر تطور دقیق مفاهیم فلسفی در آثار فیلسوفان و در سیر تاریخی آنها در فلسفه است. جای آن دارد که فرهنگ‌نامه مشابهی درباره تطور تاریخی مفاهیم فلسفی در جهان اسلام نگاشته شود، زیرا کمتر مفهومی است که در فلسفه اسلامی دستخوش تطور عمیق و دقیقی نشده باشد.

مقدمه

آشنایی با فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

«فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه»^۱، مجموعه‌ای سیزده جلدی است که جلد سیزدهم آن به فهارس اختصاص دارد. انتشار متن فرهنگ‌نامه در دوازده جلد قطور رحلی به تدریج از سال ۱۹۷۱ آغاز شد و جلد سیزدهم آن در سال ۲۰۰۴ به پایان رسید. این فرهنگ‌نامه آلمانی شامل ۳۷۱۲ مدخل در زمینه مفاهیم فلسفه در شاخه‌های مختلف آن و نیز مفاهیم مشترک میان فلسفه و سایر رشته‌ها، از جمله زیباشناسی و نظریه هنر، تاریخ و نظریه فرهنگ، زبان‌شناسی، ادبیات و خطابه، اخلاق، تعلیم و تربیت، علوم سیاسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی و روان‌درمانی و جامعه‌شناسی، اقتصاد، ادیان، الهیات و عرفان، ریاضیات و منطق، فیزیک، علم هیئت، جغرافیا، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و طب است.

«فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه» تحت سرپرستی و مدیریت علمی فیلسوف فقید، یوآخیم ریتز^۲، کارلفرید گروندر^۳ و سپس، گتفرید گابریل^۴ با همکاری بیش از ۱۵۰۰ استاد با سابقه و متخصص در زمینه فلسفه به رشته تحریر درآمده و انتشارات شوابه در شهر بازل سوئیس و شتوتگارت آلمان آن را به چاپ رسانده است. پایه‌گذاران این فرهنگ‌نامه پیش از این، در سال ۱۹۶۴ خطوط اصلی و خط‌مشی خود در نگارش آن را منتشر کردند و یوآخیم ریتز نیز در پیش‌گفتار جلد نخست فرهنگ‌نامه، به تفصیل درباره رویکرد آن به بحث پرداخته و گزارشی از مشکلات و مسائلی را ارائه کرده که مؤلفان پیش‌روی داشته‌اند.

در آغاز، مؤلفان مداخل مربوط به «فرهنگ‌نامه مفاهیم فلسفی»^۵، اثر رودلف آیسلر^۶ را که نخستین بار، در سال ۱۸۹۹ منتشر و تا سال ۱۹۳۰ چهاربار تجدید چاپ شده بود، مبنای کار خود قرار دادند. هدف این بود که با جرح و تعدیل و به‌ویژه، تکمیل عناوین آن، فرهنگ‌نامه جدیدی تألیف گردد. در فاصله انتشار این دو فرهنگ‌نامه، در تلقی فلسفه از خودش و نیز در نگرش به جایگاه آن در نظام علوم، تحولات قابل ملاحظه‌ای پدید آمده بود. در مسیر این تحولات، بسیاری از مفاهیم و گرایش‌های جدید در فلسفه پای گرفته بود که در فرهنگ‌نامه آیسلر بازتابی نداشت. گذشته از این، شیوه آیسلر این بود که در ابتدای هر مدخلی براساس دیدگاه

1. Historisches Wörterbuch der Philosophie
 2. Joachim Ritter (1903-1974)
 3. Karlfried Gründer
 4. Gottfried Gabriel
 5. Wörterbuch der philosophischen Begriffe
 6. Rudolf Eisler (1873-1926)

خود تعریفی نظام‌مند از مفهوم آن ارائه کند؛ بدین ترتیب، در فرهنگ‌نامه او چارچوب و مسیر نگارش مدخل از پیش تعیین شده بود. از دریچه نحوه نگرش تاریخی ریتز و شاگردانش (مکتب ریتز) که متأثر از اندیشه‌های هیدگر، روتهاکر و گادامر بودند، در این رویکرد آیسلر، تطورات تاریخی مفاهیم نادیده گرفته می‌شد و هر مفهومی تنها از منظر نظام فلسفی خاص مورد قبول مؤلف معرفی می‌گردید. کوشش مؤلفان فرهنگ‌نامه جدید این بود که به بازشناسی خاستگاه‌های مفاهیم فلسفی در زبان محاوره و ثبت و انعکاس مراحل مختلفی پردازند که هر یک از مفاهیم در طی تاریخ فلسفه نزد فیلسوفان و نحله‌های مختلف فلسفی پیدا کرده است. بدین ترتیب، آنان به گونه‌ای مستند مجال آن را فراهم آوردند تا خوانندگان بتوانند فارغ از موضع‌گیری‌های فلسفی خاص، این تحولات را دنبال کنند.

رویکرد تاریخی به فلسفه به معنای آن نیست که اندیشه نظام‌مند فلسفی را به مطالعه تاریخی آن تحویل ببریم، چراکه مطالعه تاریخی، نحوه تکوین و تطورات اندیشه‌ها را دنبال می‌کند، درحالی که در یک نگاه نظام‌مند فلسفی، نحوه پاسخی که یک اندیشه به پرسش فلسفی از موضوع می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیوند میان این دو رویکرد به‌ویژه، در هرمنوتیک فلسفی آشکار می‌شود. در اینجا، معلوم می‌شود که تلاش برای فهم پاسخ‌هایی که به پرسش‌های فلسفی داده شده و یا کوششی که خود ما برای یافتن پاسخی نوین به عمل می‌آوریم، در متن سنت فلسفی صورت می‌گیرد و تلاش کسانی که می‌خواهند از نقطه صفر اندیشه آغاز کنند، به تجربه تاریخی (از جمله در فلسفه دکارت) تلاشی است که به لحاظ عملی و نظری ناممکن است. شناخت سنت‌های پیشین فلسفه، جزئی از فلسفه است و فهم اندیشه‌های فلسفی بریده از تاریخ آن، فهمی ناکافی است.

به علاوه، اندیشه‌های فلسفی در بستر زبان شکل می‌گیرد و منتقل می‌شود. واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات در شکل‌گیری این اندیشه‌ها تأثیری به‌سزا دارند. تمامی کوشش‌ها برای حذف نقش زبان در این عرصه، جز منتقل شدن از یک سطح زبان به سطح دیگر حاصلی نداشته است. اگر اندیشه‌های فلسفی را مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از مفاهیم بدانیم که خود را در قالب گزاره‌های زبانی و واژه‌ها ظاهر می‌سازند، تحقیق در باب واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات فلسفی نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم این اندیشه‌ها خواهد داشت.

در پرداختن به واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات فلسفی با دو رویکرد روبه‌رویم: نخست، نگاه ایستا (static) که می‌کوشد به‌مدد تعریف و تحدید، معنای واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات فلسفی را نزد اندیشمندان تثبیت کند و یا خود معنایی تثبیت‌شده را برای آنها وضع کند و سپس، آن را معیار برای سنجش و داوری قرار دهد. نگاه دوم که نگاهی پویا (dynamic) به واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات فلسفی است، می‌کوشد تا تحولاتی را که آنها از سر گذرانده‌اند، شناسایی کند و در پرتو این تحولات به فهمی از این واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات نائل آید. در نگاه نخست، مطالعه تاریخی واژه‌ها که بر مبنای مفاهیم از پیش تعریف‌شده معیار، صورت گرفته، صرفاً در پی تعیین درست یا نادرست بودن کاربرد این مفاهیم در قیاس با مفهوم معیار است. در چنین نگرشی، مفاهیمی

که در تاریخ اندیشه فلسفی به کار رفته‌اند یا اساساً با تعریف معیار مغایر و بنابراین، نادرست‌اند و یا برحسب میزان دوری و نزدیکی‌شان به این تعریف معیار، درست‌تر یا نادرست‌ترند. در نگاه دوم، مفاهیم مجموعه به هم پیوسته‌ای از معانی هستند که در قالب یک مفهوم وحدت پیدا کرده‌اند. گذشته از این، معنای یک مفهوم در نسبتی که با مفاهیم دیگر اعم از مفاهیم مکمل و مقابل دارد نیز معین می‌شود. در این نگاه، با پذیرش اینکه مفاهیم تطور می‌یابند، این تطور به معنای ورود معانی جدید و خروج معانی پیشین یا تغییر ثقل این معانی درون هریک از مفاهیم است. از طرفی، تطور معانی نشان می‌دهد که در ترجمه مفاهیم و اصطلاحات نباید همواره یک معنای واحد را برای مفهوم در نظر بگیریم (مثلاً دو مفهوم سوژه و اُبژه).

از جمله مسائلی که توجه به آن در مطالعه مفاهیم فلسفی ضروری به نظر می‌رسد، تفکیک و درعین حال، تلفیق تاریخچه واژه‌ها (Wortgeschichte)، تاریخچه مفاهیم (Begriffsgeschichte) و تاریخچه موضوعات فلسفی (Problemgeschichte) و شناسایی نسبت میان آنهاست؛ زیرا هریک از این سه قلمرو، اقتضاء روش پژوهشی خاص خود را دارد.

در رویکرد تاریخی به مفاهیم فلسفی برخلاف روال معمول تاریخ‌نگاری - فلسفی، هدف توصیف نظام‌مند هیچ‌یک از مکاتب فلسفی پیشین نیست، بلکه انعکاس تلقی این مکاتب از مفهوم مورد نظر و تأثیر آن بر دگرگونی‌های مفاهیم است. لازمه این کار، بررسی متون فلسفی و غیر فلسفی در یک مقطع زمانی (synchron) برای یافتن معانی مفاهیم و همچنین، بررسی آنها در طول زمان (diachron) است که کار سنگینی را بر دوش محققان و مؤلفان می‌گذارد.

امتیاز این فرهنگ‌نامه در این است که سیر تطور تاریخی مفاهیم را به گونه‌ای مستند همراه با مأخذ و منابع غنی برای مطالعه بیشتر در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. حاصل سه دهه تلاش بی‌وقفه محققان و مؤلفان، فرهنگ‌نامه‌ای شده است که به اذعان صاحبان فن، "کار قرن" محسوب می‌شود و نه تنها در حوزه آلمانی‌زبان، بلکه در سایر حوزه‌ها نیز تاکنون بدیلی نداشته است.

البته این اثر نیز همانند تمامی آثار تأسیسی، خالی از کاستی‌ها نیست. به‌رغم آنکه نگارندگان این اثر بزرگ تلاش کردند تا مفاهیمی را که بیرون از دایره فلسفه مغرب‌زمین (از جمله در فلسفه چین، هند و به‌ندرت فلسفه اسلامی و یهودی) نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند، در فهرست مداخل این فرهنگ‌نامه جای دهند، اما در تبیین تطورات مفاهیم عمده فلسفی به‌ویژه، آنهایی که ریشه در سنت فلسفی یونان دارند، تکیه کار همچنان بر تحولات اندیشه فلسفی در مغرب‌زمین بوده است. از جمله، خواننده فارسی‌زبان جز در موارد اندکی، جای انعکاس سیر تحولات مفاهیم فلسفی در سنت فلسفه اسلامی را در این فرهنگ‌نامه خالی می‌بیند، درحالی که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تا چه اندازه کارهای فیلسوفان مسلمان در این تحولات تأثیر گذارده و برخلاف رأی تاریخ‌نگاران سده نوزدهم اروپا، فلسفه اسلامی صرفاً در حکم واسطه‌ای برای انتقال اندیشه یونان باستان به سده‌های بعد نبوده است.

با توجه به فاصله زمانی سی و پنج‌ساله نگارش نخستین جلد این مجموعه تا اتمام آن، بدون تردید واژه‌ها، مفاهیم و موضوعات جدیدتری در حوزه فلسفه پدید آمده‌اند که طبعاً در این مجموعه امکان انعکاس آنها فراهم نشده و در نتیجه، باید با کارهای مشابه، تکمیل و یا با نتایج کاوش‌های بعدی تصحیح گردد. با این حال، نظر به حجم و غنایی که این فرهنگ‌نامه دارد، چنانچه صاحبان بضاعت علمی و علاقه، هر اندازه نسبت به برگردان دیگر مداخل این فرهنگ‌نامه همت گمارند، خدمتی ارزنده خواهد بود.^۱

زیباشناسی و فلسفه هنر

بحث از زیبا و هنر از دیرباز مورد توجه فلسفه بوده است، اما در پی تحولات بنیادینی که در عصر جدید در نگرش به مابعدالطبیعه و معرفت‌شناسی پدید آمد، بنیان‌گذاری حوزه نوپایی در فلسفه به نام زیباشناسی و فلسفه هنر ضرورت پیدا کرد. مباحثی که در طی بیش از دو سده و نیم اخیر مطرح گردیده، نه تنها دستاوردهای فلسفی نوینی را در فهم زیبایی و هنر به دنبال داشته، بلکه تأثیری گسترده بر سایر حوزه‌های فلسفی نیز نهاده است.

به‌رغم سابقه دیرینه هنر در فرهنگ ایران پیش از اسلام و به‌ویژه، دوره اسلامی، پرداختن فلسفی به زیبایی و هنر به گونه‌ای نظام‌مند در کشور ما رشته‌ای نوپا به‌شمار می‌رود که طی دو دهه اخیر با اقبال فزاینده روبه‌رو شده است. در این دو دهه، آثار معدودی در این حوزه تألیف و ترجمه‌های متعددی از آثار نگاشته شده، آن‌هم عمدتاً در سنت فلسفی مغرب‌زمین، به زبان فارسی منتشر شده که غالباً زبان مبدأ آنها انگلیسی و مبنایشان متونی با صبغه فلسفی تحلیلی بوده است. در چنین شرایطی آشناسدن دانش‌آموختگان و پژوهشگران ما با نگرش‌های فلسفی دیگر از یک‌سو و کاوش ژرف‌تر در مفاهیم و مصطلحات این حوزه از سوی دیگر، کاری ضروری به‌نظر می‌رسد؛ چراکه این مفاهیم، مصطلحات و نیز معادل‌های آنها در زبان فارسی در شرف شکل‌گرفتن‌اند و چه‌بسا بتوان دست‌کم در این حوزه نوپا، با درایتی بیشتر کار سنجیده‌ای صورت گیرد و از آشفتگی‌های پیشین ناشی از شتاب‌زدگی‌ها، کژفهمی‌ها و سطحی‌نگری‌ها به‌ویژه، در برگردان متون و فهم اندیشه‌های فلسفی فرهنگ‌های دیگر احتراز گردد. لازمه این کار، آشنایی خوب و دقیق با مفاهیم و مصطلحات زیباشناسی و فلسفه هنر و سیر تطوری است که آنها پشت سر دارند. به‌علاوه، در این حوزه به‌طور خاص با کاری صعب روبه‌رو هستیم، زیرا با توجه به اینکه بسیاری از مباحث مربوط به زیباشناسی و فلسفه هنر پیشینه‌ای تاریخی در فرهنگ گذشته ما ندارند، در موارد متعددی ناچار به وضع جدید آنها هستیم. دقت کافی در این

۱. برای نخستین بار برگردان گزیده‌ای از مداخل این فرهنگ‌نامه در حوزه ادبیات توسط کورش صفوی از سوی انتشارات هرمس به چاپ رسید. سپس، گزیده‌ای از مداخل در باب مابعدالطبیعه از سال ۱۳۸۳ با همکاری سازمان محترم سمت در دستور کار مؤسسه فرهنگی پژوهشی نوارغنون قرار گرفت که نخستین جلد از آن مجموعه، در بهار سال ۱۳۸۶ توسط آن سازمان منتشر شد.

کار ضرورتی تام دارد، چراکه تجربه نشان داده است زمانی که مفهومی کژ فهمیده شد و معادلی رایج گردید، تصحیح آن کاری بس دشوار و در مواردی به سبب شهرت و تداولش چه بسا ناممکن گردد. درک ضرورت‌های فوق، ما را بر آن داشت تا در طرحی مشترک با مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، گامی در جهت رفع کاستی‌هایی که در این زمینه با آن روبه‌رویم، برداریم. طی مشورت‌هایی که با جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی، استاد و مدیریت محترم و نیز معاونت پژوهشی این مؤسسه، سرکار خانم دکتر شهین اعوانی صورت گرفت، مقرر شد تا با تشکیل شورای علمی مشترک دو مؤسسه، مداخل مهم این فرهنگ‌نامه در باب زیباشناسی و فلسفه هنر انتخاب و ترجمه شوند. مؤسسه فرهنگی پژوهشی نو ارغنون برگردان این مداخل به زبان فارسی و همچنین، تهیه فهراس (از جمله واژه‌نامه‌ها و اعلام) را عهده‌دار گردید و ویرایش علمی و ادبی متن با همکاری هر دو مؤسسه در شورای ویراستاری مرکب از جناب آقای دکتر بهمن پازوکی، از اساتید و همکاران مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و نیز آقای دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی صورت گرفت.

توضیحی در باب ترجمه مداخل

کتاب پیش‌رو در بردارنده ۱۴ مدخل از حدود ۱۶۰ مدخل مربوط به زیباشناسی و فلسفه هنر فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه است که البته ضرورت انتخاب آنها بر مبنای بر طرف ساختن بخشی از نیازهای فعلی پژوهشگران ایرانی و رفع خلأ موجود در منابع زیباشناسی و فلسفه هنر در زبان فارسی است. همان‌طور که نگارش اصل فرهنگ‌نامه با دشواری‌های فراوانی همراه بوده است و خود متن آلمانی آن نیز برای فرد آلمانی زبان، متن راحتی به شمار نمی‌آید و باید در آن زمینه متخصص باشد، ترجمه چنین اثری به زبان فارسی نیز با دشواری‌های خاص خود توأم بوده است. نخست آنکه شیوه نگارش متن آلمانی مداخل بسیار دشوار و مطابق معمول فرهنگ‌نامه‌نویسی به‌غایت فشرده است. بنابراین، نباید انتظار داشته باشیم که کتاب حاضر، در حکم کتابی مقدماتی برای مفاهیم مربوط به زیباشناسی و فلسفه هنر باشد، بلکه به‌مثابه راهنمای پژوهش است. دوم آنکه سبک نگارش نویسندگان مداخل متفاوت بوده و حتی برخی از مداخل از جانب چندین مؤلف به‌رشته تحریر درآمده که موجب ناهمگونی در نگارش متن آلمانی شده و بالطبع بر متن ترجمه نیز تأثیر گذارده است. سوم آنکه به‌رغم کوشش مترجمان برای بهره‌گیری از معادل‌های متداول در ترجمه‌های متون فلسفه غرب به زبان فارسی و معادل‌های سنت فلسفه اسلامی، در موارد زیادی معادل‌گذاری‌های جدیدی لازم بود؛ همچنین، برای پرهیز از تداعی‌های نادرست، در به‌کاربردن معادل‌های فلسفه سنتی نهایت احتیاط به‌کار رفته است. در مواردی در سنت فلسفی مغرب‌زمین اصطلاحاتی متداول است که در سنت پیشین فلسفی ما سابقه ندارد. در این موارد، اولویت بر این قرار گرفت که پیشینه تاریخی واژه و مفهوم مراعات شود. در مواردی همچون مفهوم «Sublim» نیز برخلاف نارسا بودن معادل رایج کنونی، چاره‌ای نداشتیم جز آنکه معادل